یادداشت

امریکا از رؤیای تسلیم تا پذیرش واقعیت ایران

داود عامری
کارشناس سیاسی

توافق احتمالی میان ایران و امریکا را باید در چارچوب تحولات عمیق‌تر جنگ و تغییر موازنه‌های راهبردی تحلیل کرد، زیرا این توافق صرفاً یک رویداد دیپلماتیک، نظامی یا توقف یک دوره از درگیری‌ها نیست، بلکه بازتابی از فاصله میان محاسبات اولیه آغازکنندگان جنگ و واقعیت‌های شکل‌گرفته در میدان است. مهم‌ترین پیام راهبردی این روند، آشکار شدن شکاف میان اهداف اعلامی ترامپ و امریکا در آغاز جنگ، مبنی بر تحمیل شکست سریع و وادار کردن ایران به تسلیم، با شرایطی است که در نهایت ایران را به یک بازیگر مؤثر در تعیین مسیر پایان جنگ تبدیل کرد.
در ابتدای جنگ، راهبرد امریکا بر پایه یک برآورد حداکثری از ظرفیت فشار و یک ارزیابی حداقلی از توان مقاومت ایران طراحی شده بود. محاسبه واشینگتن این بود که ترکیب حملات نظامی گسترده، فشارهای اقتصادی، جنگ روانی، عملیات رسانه‌ای و ایجاد شکاف‌های داخلی می‌تواند در مدت کوتاهی ساختار تصمیم‌گیری ایران را تحت فشار قرار داده و تهران را به پذیرش خواسته‌های طرف مقابل وادار کند. در این چارچوب، جنگ نه به عنوان یک منازعه طولانی‌مدت، بلکه به عنوان عملیاتی برای تغییر حکمرانی در ایران تعریف شده بود.
اما تحولات بعدی نشان داد که این برآورد با پیچیدگی‌های واقعی قدرت در جمهوری اسلامی ایران، ظرفیت‌های بازدارندگی، قدرت نظامی، تجربه تاریخی و تاب‌آوری جامعه ایرانی در مواجهه با بحران‌ها و همچنین تحولات محیط منطقه‌ای و بین‌المللی همخوانی نداشته است. ایران برخلاف انتظار طراحان اولیه جنگ، نه دچار فروپاشی تصمیم‌گیری شد و نه از معادلات منطقه‌ای کنار گذاشته شد، بلکه با تکیه بر مجموعه‌ای از ظرفیت‌های سخت، نرم و خردمند در میدان، توانست موقعیت خود را در فرآیند جنگ حفظ و ارتقا دهد و در شکل‌دهی به مسیر پایان آن نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند.

تغییر ماهیت جنگ؛ از تلاش برای تحمیل اراده تا ضرورت پذیرش واقعیت قدرت: یکی از مهم‌ترین نشانه‌های تغییر معادله، تحول در ادبیات و رفتار سیاسی طرف مقابل است. جنگی که در ابتدا با هدف تحمیل اراده یکجانبه و دستیابی به یک پیروزی سریع آغاز شده بود، به تدریج به عرصه‌ای تبدیل شد که در آن هزینه‌های استمرار درگیری، پیامدهای منطقه‌ای، محدودیت‌های سیاسی و ضرورت مدیریت بحران، طرف‌های درگیر را به سمت سازوکارهای توافق و تنظیم جدید روابط سوق داد.
در این میان، توافق فعلی نشان می‌دهد که پایان جنگ برخلاف تصور اولیه، نتیجه تسلیم یک طرف و پیروزی طرف دیگر نیست، بلکه محصول یک فرآیند پیچیده از مقاومت، بازدارندگی، محاسبه هزینه‌ها و پذیرش واقعیت‌های قدرت است. به بیان دیگر، ایران توانست از موقعیتی که قرار بود در آن صرفاً موضوع تصمیم دیگران باشد، به یکی از عوامل تعیین‌کننده در معماری پایان جنگ تبدیل شود.
این تحول، دارای اهمیت راهبردی فراوان است، زیرا در نظام بین‌الملل امروز، قدرت صرفاً در توانایی آغاز جنگ یا وارد کردن ضربه خلاصه نمی‌شود، بلکه توانایی مدیریت بحران، حفظ انسجام داخلی، ایجاد هزینه برای طرف مقابل، بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماتیک و تبدیل فشارها به فرصت‌های سیاسی، بخش مهمی از مفهوم قدرت ملی را تشکیل می‌دهد. شکست یک تصور سنتی درباره جنگ‌های جدید: جنگ اخیر بار دیگر نشان داد که الگوی جنگ‌های قرن بیست‌ویکم با جنگ‌های کلاسیک تفاوت اساسی دارد. در گذشته، برتری نظامی می‌توانست به سرعت به پیروزی سیاسی منجر شود، اما در شرایط کنونی، پیروزی در میدان نظامی الزاماً به معنای دستیابی به اهداف سیاسی نیست. تجربه این جنگ نشان داد که میان «توانایی وارد کردن خسارت» و «توانایی تحمیل نتیجه سیاسی پایدار» فاصله وجود دارد.
امریکا و متحدانش ممکن است از ظرفیت‌های گسترده نظامی، فناوری پیشرفته و قدرت اقتصادی برخوردار باشند، اما تبدیل این ظرفیت‌ها به نتیجه سیاسی مطلوب، نیازمند درک دقیق از محیط راهبردی، شناخت اراده و ظرفیت طرف مقابل و توجه به پیامدهای منطقه‌ای و جهانی اقدامات نظامی است.
از این منظر، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای ایران در این فرآیند، جلوگیری از تبدیل جنگ به یک سناریوی از پیش تعیین‌شده و بازگرداندن عنصر عدم قطعیت به محاسبات طرف مقابل بود. این امر باعث شد که جنگ از یک پروژه کوتاه‌مدت برای تحمیل خواسته‌ها، به یک بحران پیچیده تبدیل شود که مدیریت پایان آن نیازمند تعامل و پذیرش نقش بازیگران مختلف، به‌ویژه ایران، باشد.

ایران از هدف جنگ به بازیگر تعیین‌کننده پایان جنگ: تحلیل روند جنگ نشان می‌دهد که ایران توانست سه اقدام راهبردی مهم انجام دهد:
نخست؛ حفظ ظرفیت تصمیم‌گیری مستقل: مهم‌ترین هدف جنگ، کاهش قدرت انتخاب و استقلال تصمیم‌گیری ایران بود. اما استمرار توان تصمیم‌سازی و مدیریت بحران نشان داد که فشار نظامی و سیاسی نتوانسته است این ظرفیت را تضعیف کند.
دوم؛ تبدیل مقاومت به سرمایه برای مشروعیت سیاسی: ایران تلاش کرد هزینه‌های تحمیل جنگ را صرفاً به یک مسئله نظامی محدود نکند، بلکه آن را به یک موضوع مرتبط با استقلال، امنیت ملی و جایگاه منطقه‌ای پیوند دهد. این امر موجب شد جنگ به عرصه‌ای برای رقابت روایت‌ها و مشروعیت‌بخشی سیاسی نیز تبدیل شود.
سوم؛ حفظ نقش در نظم پساجنگ: مهم‌ترین نشانه تغییر معادله آن است که ایران در مرحله پایان جنگ صرفاً دریافت‌کننده تصمیمات دیگران نیست، بلکه یکی از طرف‌های اصلی و تعیین‌کننده است که بدون در نظر گرفتن منافع و ملاحظات آن، امکان شکل‌گیری یک توافق پایدار و نظم جدید دشوار بلکه غیرممکن خواهد بود.

الزامات دوره پساجنگ؛ تبدیل موفقیت میدانی به دستاورد پایدار: با وجود اهمیت تغییر معادله، مرحله پساجنگ به همان اندازه دوره جنگ اهمیت دارد. تجربه تاریخی نشان داده است که موفقیت در یک بحران، زمانی به دستاورد راهبردی تبدیل می‌شود که با برنامه‌ریزی دقیق برای آینده همراه باشد. ایران در دوره پساجنگ نیازمند آن است که ضمن حفظ دستاوردهای دفاعی-امنیتی، بازدارندگی و ارتقای سلاح‌های راهبردی به چند محور اساسی توجه کند:
- بازسازی و تقویت سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی
- ارتقای توان اقتصادی برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر فشارهای خارجی
- تبدیل تجربه جنگ به یک دکترین جامع بازدارندگی ملی
- فعال‌تر کردن دیپلماسی منطقه‌ای و بین‌المللی
- تقویت قدرت نرم و روایت‌سازی مؤثر در افکار عمومی جهان
- بهره‌گیری از فرصت‌های جدید در نظم در حال گذار جهانی.

توافق احتمالی کنونی را می‌توان نشانه‌ای از تغییر یک معادله مهم دانست: جنگی که با هدف تحمیل شکست سریع و تسلیم ایران آغاز شد، در مسیر خود به فرآیندی تبدیل شد که ایران در آن توانست جایگاه یک بازیگر مؤثر و تعیین‌کننده را حفظ کند. این تحول به معنای پایان همه رقابت‌ها و فشارها نیست، بلکه نشان‌دهنده ورود به مرحله جدیدی از رقابت راهبردی است که در آن قدرت‌ها تلاش خواهند کرد از ابزارهای مختلف برای تأثیرگذاری بر آینده ایران استفاده کنند.
درس اصلی این تجربه برای مطالعات راهبردی آن است که در جهان پیچیده امروز، هیچ قدرتی صرفاً با اتکا به برتری تک‌بعدی و نظامی نمی‌تواند اراده خود را بر یک بازیگر دارای ظرفیت‌های تاریخی، هویتی و ژئوپلیتیکی تحمیل کند. پیروزی واقعی در عصر جدید، حاصل ترکیب قدرت سخت، قدرت نرم، خردمندی دیپلماتیک، انسجام داخلی و توان تبدیل بحران به فرصت است. از این منظر، مهم‌ترین تحول جنگ اخیر نه صرفاً در میدان نبرد، بلکه در تغییر جایگاه ایران از «موضوع فشار» به «عامل اثرگذار در تعیین آینده» قابل مشاهده است.

گزارش

روایت معاون هماهنگ‌کننده نیروی هوایی ارتش از مأموریت پیچیده سوخو۲۴

از پرواز بدون جی‌پی‌اس تا عبور از سپر پدافندی سنتکام

امیر جعفری: برای مقابله با پایگاه‌های امریکا سال‌ها برنامه‌ریزی شده بود

معاون هماهنگ‌کننده نیروی هوایی ارتش با تشریح جزئیات یکی از پیچیده‌ترین عملیات‌های هوایی جنگ رمضان، از اشراف اطلاعاتی چندساله بر پایگاه‌های امریکا، آموزش خلبانان بر پایه تاکتیک‌های بومی و بدون اتکا به جی‌پی‌اس، و تداوم پیگیری‌ها برای تعیین وضعیت سه خلبان مفقودالاثر سوخو۲۴ خبر داد.

عملیات علیه پایگاه امریکایی العدید قطر، از نگاه فرماندهان نیروی هوایی ارتش، نه یک تصمیم مقطعی، بلکه نتیجه سال‌ها رصد اطلاعاتی، طراحی عملیاتی و آمادگی مستمر برای مقابله با سناریوهای احتمالی امریکا در منطقه بوده است. معاون هماهنگ‌کننده نیروی هوایی ارتش با تشریح ابعاد این مأموریت تأکید کرد که عبور جنگنده‌های سوخو۲۴ از یکی از متراکم‌ترین لایه‌های دفاعی امریکا، حاصل اتکای نیروی هوایی به آموزش‌های بومی، مهارت خلبانان در پرواز بدون جی‌پی‌اس و اشراف اطلاعاتی بر پایگاه‌های نظامی امریکا در منطقه بوده است؛ روایتی که در کنار اعلام ادامه پیگیری سرنوشت سه خلبان مفقودالاثر این عملیات، تصویری از آمادگی بلندمدت و برنامه‌ریزی راهبردی نیروهای مسلح برای مواجهه با هرگونه تهدید را ترسیم می‌کند.

به گزارش روابط عمومی ارتش، امیر سرتیپ خلبان مسعود جعفری، معاون هماهنگ‌کننده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگوی تلویزیونی با اشاره به مأموریت‌های این نیرو در جنگ تحمیلی (جنگ رمضان)، اظهار کرد: نیروی هوایی ارتش هیچ‌گاه قصد رسانه‌ای کردن مأموریت‌های عملیاتی خود را نداشت، زیرا انجام این مأموریت‌ها را وظیفه ذاتی خود دانسته و برای همین روزها آموزش دیده و آماده شده است. وی ادامه داد: ما برای انجام مأموریت‌های خود هیچ‌گونه توقع و طلبی از کسی نداریم و با افتخار وظیفه سازمانی خود را انجام می‌دهیم. بنا داشتیم پس از پایان جنگ و در فرصت مناسب، درباره این عملیات‌ها سخن بگوییم، اما انتشار گزارش‌های متعدد از سوی رسانه‌های خارجی، موجب شد بخشی از این مأموریت‌ها پیش از موعد، رسانه‌ای شود.

■ حمله به مرکز فرماندهی هوایی امریکا

امیر سرتیپ خلبان جعفری با تشریح جزئیات حمله به یکی از پایگاه‌های امریکا با بهره‌گیری از جنگنده‌های سوخو۲۴ بیان کرد: یکی از مأموریت‌های محوله از سوی قرارگاه، حمله به مرکز فرماندهی هوایی امریکا (سنتکام) در پایگاه العدید قطر بود که توسط دو فروند جنگنده سوخو۲۴ از پایگاه هوایی شهید دوران شیراز انجام شد. این عملیات به دلیل استقرار سامانه‌های پیشرفته پدافندی پاتریوت و تاد، گشت‌های شبانه‌روزی هوایی و همچنین اهمیت راهبردی پایگاه العدید، از پیچیده‌ترین و پرخطرترین مأموریت‌های نیروی هوایی به شمار می‌رفت و خلبانان با آگاهی کامل از مخاطرات، اجرای آن را پذیرفتند. وی با بیان اینکه مسیر پرواز جنگنده‌های سوخو۲۴ تا هدف، از روی آب‌های خلیج فارس گذشت گفت: خلبانان برای جلوگیری از شناسایی، ناچار بودند بخش عمده مسیر را در ارتفاع بسیار پایین و نزدیک سطح دریا طی کنند؛ اقدامی که با وجود پوشش کامل راداری و حضور جنگنده‌های دشمن، خطرات فراوانی به همراه داشت. اختلاف فناوری میان جنگنده‌های نسل سوم نیروی هوایی ارتش با جنگنده‌های نسل چهارم و پنجم دشمن، هرگز موجب تردید خلبانان ما نشد و آنان با روحیه‌ای مثال‌زدنی و توکل به خدا مأموریت خود را با موفقیت به انجام رساندند.

■ بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌ها برای تعیین وضعیت خلبانان

معاون هماهنگ‌کننده نیروی هوایی ارتش در بخش دیگری از اظهارات خود، به سرنوشت خلبانان جنگنده‌های سوخو۲۴ ایران اشاره و تأکید کرد: پس از احراز شهادت امیر سرتیپ دوم خلبان مجید کاظمی، وضعیت سه خلبان دیگر این مأموریت، به‌طور قطعی هنوز مشخص نشده است و معاونت اطلاعات ارتش، ستاد کل نیروهای مسلح و وزارت امور خارجه در حال پیگیری و رایزنی برای دستیابی به اطلاعات دقیق‌تر هستند.
امیر جعفری در بخش دیگری از اظهارات خود، از صبر و استقامت خانواده‌های خلبانان مفقودالاثر قدردانی کرد و افزود: شرایط برای این خانواده‌ها بسیار دشوار است و انتشار شایعات مختلف، نگرانی آنان را افزایش می‌دهد، اما با وجود این سختی‌ها، صبر و بردباری آنان ستودنی است. البته امیدواریم با پیگیری‌های انجام‌شده، اخبار امیدوارکننده‌ای درباره سرنوشت این خلبانان به دست آید. وی ضمن ابراز امیدواری نسبت به بازگشت خلبانان ایرانی به میهن اسلامی، آن هم در سلامت کامل، عملیات آنان را تداوم راه شهیدان خلبان بابایی و دوران دانست و تصریح کرد: همان‌گونه که شهید سرلشکر خلبان عباس بابایی با وجود مسئولیت سنگین فرماندهی، شخصاً در مأموریت‌های عملیاتی حضور پیدا می‌کرد و شهید سرلشکر خلبان عباس دوران نیز مأموریت تاریخی بغداد را با شجاعت انجام داد، خلبانان نیروی هوایی ارتش نیز با همان روحیه ایثار، اجرای این عملیات دشوار را پذیرفتند.
امیر سرتیپ خلبان جعفری در بخش دیگری از اظهاراتش، به قیاس پایگاه امریکایی العدید قطر با پایگاه‌های رژیم بعث عراق پرداخت و متذکر شد: رینگ پدافندی پایگاه العدید به مراتب پیچیده‌تر و مستحکم‌تر از سامانه‌های دفاعی بغداد در دوران دفاع مقدس بود، اما این موضوع مانعی برای اجرای موفق مأموریت نشد.

■ مهارت خلبانان، عامل غافلگیری دشمن

وی همچنین به تحلیل چرایی غافلگیری سامانه‌های پدافندی امریکایی پرداخت و با تجلیل از مهارت خلبانان ایرانی بیان کرد: خلبانان نیروی هوایی ارتش سال‌هاست که در شرایط تحریم، بدون اتکا به سامانه‌هایی مانند جی‌پی‌اس و با استفاده از نقشه‌خوانی، مهارت‌های پروازی و تاکتیک‌های بومی آموزش دیده‌اند. استفاده نکردن از هرگونه سیگنال و ارتباط رادیویی، پرواز در ارتفاع بسیار پایین و به‌علاوه عدم وجود تصور چنین مأموریت و اقدام جسورانه از سوی نیروی هوایی ارتش از طرف دشمنان، از عوامل اصلی موفقیت عملیات و غافلگیری سامانه‌های دفاعی امریکا بود.

■ رصد اطلاعاتی پایگاه‌های امریکا

معاون هماهنگ‌کننده نیروی هوایی ارتش با اشاره به اشراف اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران بر پایگاه‌های امریکا در منطقه اظهار کرد: طی سال‌های گذشته، فعالیت‌های اطلاعاتی گسترده‌ای درباره پایگاه‌های نظامی امریکا در قطر، امارات، کویت، بحرین و سایر کشورهای منطقه انجام شده بود و برای تمامی سناریوهای احتمالی، برنامه‌ریزی‌های لازم صورت گرفته بود. هر زمان که ستاد کل نیروهای مسلح و سلسله‌مراتب مأموریتی را به نیروی هوایی ابلاغ کرده است، کارکنان این نیرو با آمادگی کامل آن را اجرا کرده‌اند.
امیر سرتیپ خلبان جعفری در خاتمه با یادآوری حضور پرشور مردم در خیابان‌ها متذکر شد: حضور پرشور مردم در صحنه، موجب تقویت روحیه رزمندگان شد و بسیاری از اهداف دشمن برای ایجاد آشوب و ناامنی داخلی را خنثی کرد. شاید حضور مردم با در دست داشتن پرچم ایران، برای برخی ساده به نظر برسد، اما همین حضور، پشتوانه‌ای بزرگ برای نیروهای مسلح و عامل افزایش روحیه رزمندگان بود.

تحلیل

فاطمه بصیری

شکست پروژه ناامن‌سازی ایران در نبرد امنیتی

امریکا و متحدانش همزمان با جنگ سیاسی و نظامی، نبرد امنیتی را در داخل به شیوه‌های مختلف تولید ناامنی چون تشویش اذهان عمومی، آشوب و عملیات تروریستی دنبال می‌کنند. اما در واقعیت، پروژه دو لبه جنگ خارجی و جنگ داخلی هر دو با ایستادگی و انسجام مردم و هوشمندی نیروهای مسلح و نیروهای امنیتی به چالش شکست و اضمحلال رسیده است.
در خلال جنگ، رسانه‌های امریکایی فاش ساختند که ترامپ بر اساس اطلاعات دریافتی از رژیم صهیونیستی که مدعی بود می‌تواند آشوبی گسترده در ایران ایجاد کرده و زمینه‌ساز فروپاشی آن شود، جنگ علیه ایران را کلید زد، اما در نهایت ناکام ماند. فارغ از موفقیت‌های میدانی و نظامی ایران، یکی از عوامل مهم این ناکامی، فعالیت‌های گسترده نیروهای امنیتی و نظامی علیه شبکه‌ی مزدوران و تروریست‌های داخلی در کشور و مهار آنها بود. اقداماتی که سبب شد توطئه و نقشه راه شبکه‌های جاسوسی و عملیاتی مشترک امریکا و رژیم صهیونیستی به اهداف خود نرسند و عملیاتی نشوند.
روز گذشته هشت نفر از اشرار و مرتبطین گروهک‌های تروریستی منطقه در شرق کشور توسط قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه شناسایی و دستگیر شدند. طبق اطلاعیه این قرارگاه، آنها با تشکیل تیم‌های مسلح اقدام به ایجاد ناامنی و اجرای اقدامات مختلف ضد امنیتی، گروگان‌گیری نیروها و مهندسین فعال در حوزه زیرساخت‌های استان سیستان و بلوچستان، حمله به گشت‌ها و مقرهای نظامی و انتظامی، سرقت‌های مسلحانه و ایجاد رعب و وحشت در مناطق مرکزی استان می‌نمودند. قرارگاه قدس اعلام کرد که از این اشرار مقادیری مهمات و تعدادی سلاح کشف شده و اهداف این اشرار شناسایی مقرها و اماکن نظامی و انتظامی و همچنین شرکت‌ها و نیروهای فعال در حوزه توسعه و آبادانی استان بوده است. این اشرار با هماهنگی گروهک‌های تروریستی اقدام به ربایش افراد شاخص و مهندسین طرح‌های عمرانی و زیرساختی منطقه کرده و سپس افراد به گروگان گرفته شده را تحویل گروهک‌های تروریستی مستقر در آن سوی مرزها می‌دادند.
این قرارگاه در عملیات دیگری، اعضای یک تیم تروریستی در جنوب استان سیستان و بلوچستان را به هلاکت رسانده و گروه را منهدم کرد. طبق اطلاعیه قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه، در ادامه رزمایش عملیاتی شهدای امنیت ۳، یک تیم تروریستی که قصد داشت در جنوب استان سیستان و بلوچستان اقدام به عملیات تروریستی نماید، با رصد اطلاعاتی و تلاش رزمندگان قرارگاه قدس و پاسداران گمنام سازمان اطلاعات سپاه استان سیستان و بلوچستان پیش از اجرای عملیات تروریستی مورد ضربه قرار گرفت. به گفته قرارگاه قدس، این تیم با داشتن سلاح و مهمات به قصد انجام عملیات تروریستی از کشورهای همسایه وارد کشور شده که در کمین رزمندگان سپاه قرار گرفته و در درگیری مسلحانه اعضای این تیم تروریستی به هلاکت رسیدند.
علاوه بر اقدامات نیروی زمینی سپاه، مرزبانی سیستان و بلوچستان نیز روز گذشته موفق شد که یک گروه قاچاقچی سلاح را مهار کند. قاچاقچیان به ویژه بعد از جنگ، قصد دارند که سلاح‌های جنگی را برای انجام اقدامات تروریستی و ناامن کردن کشور وارد کشور کرده و تیم‌های تروریستی را مجهز کنند. سردار رضا شجاعی، فرمانده مرزبانان سیستان و بلوچستان با تشریح عملیات مذکور اظهار داشت: «مرزبانان سیستان و بلوچستان با اشراف اطلاعاتی بر نوار مرزی، از قصد قاچاقچیان برای انتقال محموله‌ای از سلاح‌های جنگی غیرمجاز به داخل کشور مطلع شدند و بلافاصله با اجرای اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی، مقابله با این تحرک را در دستور کار قرار دادند.» وی افزود: «مرزداران پس از شناسایی مسیر تردد قاچاقچیان، در عملیاتی ضربتی و مقتدرانه با افراد مسلح درگیر شدند و موفق شدند ۱۰ قبضه سلاح جنگی کلت کمری را کشف و ضبط کنند.» شجاعی با تأکید بر اینکه مرزبانان با آمادگی کامل هرگونه تحرک در نوار مرزی را رصد می‌کنند، گفت: «اشراف اطلاعاتی و حضور مستمر نیروهای مرزبانی، نقش مؤثری در مقابله با قاچاق سلاح، مهمات و سایر تهدیدات امنیتی در مرزهای جنوب شرق کشور داشته است.»
در غرب کشور نیز، نیروهای مسلح حملات پهپادی و موشکی گسترده را علیه تروریست‌های مستقر در اقلیم کردستان ترتیب می‌دهند. علاوه بر آن، نیروهای نظامی کشور برای مقابله با تهدیدات موجود و ورود آنها به داخل کشور آمادگی دارند و حتی عملیات‌های جسورانه‌ای را با نفوذ به مواضع آنها در کردستان ترتیب دادند. بر اساس گزارش‌ها، مشاور فرمانده کل ارتش ایران اعلام کرده است که در مدت زمان جنگ، تیپ ۲۳ نوهد ارتش در سلیمانیه و اربیل (کردستان عراق) عملیات زمینی انجام داد، تعدادی از نیروهای ضدانقلاب را به هلاکت رساند و تعدادی را به اسارت گرفت و بدون تلفات بازگشت.
علاوه بر آن، طی هفته گذشته، فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با حضور در مناطق عملیاتی شمال غرب به تروریست‌ها هشدار داد و گفت: «رزمندگان آماده برخورد با هرگونه خطای محاسباتی دشمنان خارجی و سران و عناصر گروهک‌های تروریستی هستند.»

■ مقابله با سرویس‌های جاسوسی بیگانه

به‌جز مزدوران و تروریست‌های مستقر در شرق و غرب که وظیفه ایجاد ناامنی در مرزهای شرقی و غربی و زمینه‌سازی تجزیه این مناطق را دارند، گروه‌های وابسته به سازمان‌های جاسوسی غربی و صهیونیستی به طور جداگانه فعالیت‌های ضد امنیتی را در قالب عملیات‌های جمع‌آوری و دستکاری اطلاعات با هدف ایجاد حفره‌های اطلاعاتی انجام می‌دهند. علاوه بر آن، آنها با حمایت و مجهز کردن گروهک‌های تروریستی داخل، تلاش دارند که آشوب دیگری را در مقیاس بزرگ‌تر کلید بزنند. به همین دلیل، یکی دیگر از زمینه‌های جنگ امنیتی ایران، مقابله با این گروه‌ها است که ایران به طور جدی رصد و انهدام آنها را دنبال می‌کند. در همین راستا همزمان با عملیات نیروهای سپاه در شرق، عملیات دیگری توسط نیروهای گمنام امام زمان وزارت اطلاعات صورت گرفت و اعضای گروهک وابسته به موساد دستگیر شدند. در اطلاعیه این وزارتخانه آمده است که ۲۱ مزدور مرتبط با سرویس جاسوسی و تروریستی رژیم صهیونیستی (موساد) در سلسله اقدامات اطلاعاتی- عملیاتی سربازان گمنام امام زمان(عج) در اداره کل اطلاعات استان کرمان شناسایی و بازداشت شدند. این مزدوران اطلاعاتی از مراکز حساس و طبقه‌بندی شده در حوزه‌های نظامی و پدافندی اطلاعات جمع‌آوری و برای این سرویس می‌فرستادند. نیروهای وزارت اطلاعات در عملیات دیگری، چهار نفر از اشرار مسلح را هم در استان شناسایی و بازداشت کردند و از آنها شماری سلاح، مهمات جنگی و شکاری کشف و ضبط شده است.
در ادامه پیگیری برخورد قاطعانه وزارت اطلاعات با مزدوران فعال و اصلی کودتای دی‌ماه ۱۴۰۴، از پنج نفر از عناصر مسلح بازداشت شده این کودتا، چهار قبضه سلاح جنگی کشف و ضبط و برای رسیدگی تحویل دستگاه قضایی شد.

■ پنهان پشت دفاع از مذهب

در حالی که مزدوران تروریستی در شرق و غرب کشور، بهانه‌های واهی همچون دین را برای توجیه خشونت و اقدامات جنایتکارانه خود تئوریزه می‌کنند، واقعیات میدانی به‌وضوح خلاف این ادعاها را اثبات می‌نماید. تاریخچه عملیات تروریستی نشان داده است که این گروه‌ها نه تنها هیچ‌گاه در پی دفاع از مذهب یا آزادی آن نبوده‌اند، بلکه همواره بیشترین آسیب را به پیکره همان جوامعی وارد کرده‌اند که مدعی حمایت از آنها هستند. بارها اتفاق افتاده است که عملیات تروریست‌ها متوجه مردم بی‌گناه و حتی نیروهای نظامی اهل‌سنت بوده است. نمونه تلخ و گویای این مدعا، حادثه روز گذشته در ایرانشهر است؛ جایی که افراد مسلح با تیراندازی به خودروی پلیس، یکی از کارکنان بلوچ و اهل‌سنت نیروی انتظامی را که در حوزه گزینش و جذب جوانان اهل‌سنت فعالیت داشت، هدف قرار داده و او را به شهادت رساندند.

گزیده خبر

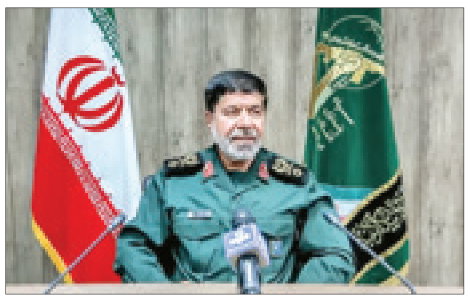

رئیس مرکز اسناد سپاه:

خبرنگاران حلقه تکمیل‌کننده روایت دفاع مقدس هستند

مشاور فرمانده کل سپاه و رئیس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و مجاهدت‌های سپاه، در آستانه ۱۷ مرداد، روز خبرنگار و بیست‌وهشتمین سالگرد شهادت شهید محمود صارمی، با صدور پیامی ضمن تبریک این روز به اصحاب رسانه، خبرنگاران را «رزمندگان جبهه قلم و آگاهی» توصیف کرد و بر نقش بی‌بدیل آنان در روایت صادقانه حماسه‌های ملت ایران تأکید کرد.

به گزارش «جوان»، سردار سرتیپ پاسدار رمضان شریف، با اشاره به جایگاه مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به عنوان مرجع رسمی ثبت، تحلیل و تبیین تاریخ هشت‌ساله دفاع مقدس و نیز واقعه‌نگاری مجاهدت‌های دفاع مقدس دوم و سوم، تأکید کرده که ثبت دقیق، مستند و عالمانه وقایع، به‌ویژه در شرایط جنگ شناختی، ضرورتی انکارناپذیر است و اصحاب رسانه حلقه تکمیل‌کننده انتقال این حقایق به نسل‌های آینده به شمار می‌روند. رئیس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، «نبرد روایت‌ها» را یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تقابل امروز دانست و تصریح کرد دشمن با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و هوش مصنوعی درصدد تحریف واقعیت‌ها، وارونه‌نمایی و گسترش ایران‌هراسی است. به گفته وی، در چنین شرایطی هم‌افزایی میان مراکز تولید اسناد معتبر و خبرنگاران متعهد، شرط دستیابی به «روایت اول» و ارائه تصویری دقیق از واقعیت‌های میدان است.
سردار شریف تأکید کرد زمانی حقیقت به‌درستی منعکس خواهد شد که اسناد و داده‌های مستند مرکز اسناد با هنر، تخصص و قلم خبرنگاران درآمیزد تا روایت صحیحی از دفاع مقدس، جنگ تحمیلی دوم و سوم، حماسه رزمندگان اسلام، حمایت گسترده ملت ایران از نیروهای مسلح و نقش مردم در پشتیبانی از انقلاب اسلامی به جامعه و نسل‌های آینده منتقل شود. وی همچنین بر ضرورت ثبت و تبیین یکی از مهم‌ترین پدیده‌های راهبردی جنگ‌های اخیر، یعنی هم‌افزایی میان میدان دیپلماسی، مردم و نیروهای مسلح تأکید کرد و این همگرایی را عاملی مهم در ناکام گذاشتن پروژه‌های دشمن دانست. به اعتقاد وی، خبرنگاران با انعکاس این واقعیت‌ها می‌توانند الگوی مقاومت و استکبارستیزی را به افکار عمومی جهان معرفی کنند.
مشاور فرمانده کل سپاه در پایان، ضمن قدردانی از تلاش‌های خبرنگاران، عکاسان، تهیه‌کنندگان و فعالان رسانه‌ای در جهاد تبیین، از آمادگی همه‌جانبه مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و مجاهدت‌های سپاه برای همکاری‌های پژوهشی، مستندسازی، تولید محتوا و انتقال حقایق، معارف و واقعیت‌های دفاع مقدس هشت‌ساله، جنگ تحمیلی دوم و سوم امریکایی-صهیونی و سایر عرصه‌های مجاهدت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خبر داد و ابراز امیدواری کرد با همدلی و همراهی اصحاب رسانه، گام‌های مؤثرتری در حفظ و انتقال میراث دفاع مقدس و تبیین دستاوردهای مقاومت برای نسل‌های آینده برداشته شود.

روایت مقاومت
روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR

هرمز؛ ستون نظم امنیتی جدید ایران

تا پیش از جنگ اخیر، نوعی معادله امنیتی و بازدارندگی در غرب آسیا شکل گرفته بود که محور ضدایرانی منطقه، با تمام لفاظی‌ها و تهدیدها، اما خط قرمز تهران را رعایت کرده و حتی رفت‌وبرگشت‌های امنیتی خود را با ایران در همان چارچوب مدیریت می‌کردند. این معادله قدرت، با دو تهاجم اخیر، جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه، عملاً از هم پاشیده شد. فضای فعلی پساجنگ، از نوعی است که هرچند ضرباتی جدی بر پیکره ائتلاف امریکایی –اسرائیلی وارد شده است، اما هنوز معادله جدیدی هم شکل نگرفته که کشور را بیمه و سایه جنگ را از ایران عزیز دور کند.
«صدای ایران»، روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR در سرمقاله شماره ۴۱۰ خود نوشته است: جمهوری اسلامی ایران، با تجربه جنگ ۴۰روزه اخیر، در سطوح راهبردی تغییراتی در نظام محاسباتی خویش به عمل آورد. اجرای دقیق راهبرد جنگ منطقه‌ای و ضربه به هر نقطه‌ای که مبدأ تجاوز به حریم ایران باشد، در کنار تجربه بعضی اقدامات تهاجمی دقیق و عمیق در عمق اهداف دشمن، راهبرد خویشتندارانه سه دهه گذشته ایران را به سمت یک راهبرد تهاجمی و از موضع قدرت تغییر داده است. بعضی قرائن این تغییر را از اتفاقات چند هفته اخیر هم می‌توان رصد کرد. جمهوری اسلامی ایران، راه اصلی دور کردن سایه جنگ از کشور را برقراری یک نظام و معادله امنیتی جدید می‌داند که سطوح جدیدی از بازدارندگی را مبتنی بر رفتار راهبردی پساجنگ ۴۰روزه برقرار کند.
در این نگاه، تنگه هرمز دیگر صرفاً یک ابزار فشار یا اهرمی برای امتیازگیری نیست. ایران این مفهوم را دال مرکزی نظم امنیتی جدید منطقه غرب آسیا تعریف کرده است. هندسه جدید امنیتی و نظامی غرب آسیا بر مبنای نقطه کانونی تنگه هرمز تعریف می‌شود. در این منطق، اگر قرار باشد دشمن فرامنطقه‌ای به ایران تجاوز کند، باید تبعات این تجاوز را هم بپذیرد و این تبعات لزوماً از جنس اقدام نظامی نیستند. هر مصداقی که بتواند گلوی دشمن را بفشارد، بخشی از راهبرد نظامی و امنیتی ایران خواهد بود. در این نگاه، تنگه هرمز یک کانون مهم برای برقراری هندسه امنیتی حول منافع ایران تعریف شده است. رفتار قدرتمندانه نیروهای مسلح در جنگ ۴۰ روزه و کنترل این تنگه راهبردی، حالا برای ایران خلق قدرت کرده تا با اتکای بر آن، نظام امنیتی خویش را در منطقه طراحی کند.
بر همین مبناست که ایران مدام تأکید دارد تنگه هرمز دیگر هیچ‌گاه به وضعیت پیش از جنگ ۴۰روزه برنخواهد گشت. تجربه اخیر نشان داد که خویشتنداری سی‌واندی ساله ایران مانع از تهاجم و تجاوز نمی‌شود. در منطقه، کسی می‌تواند از منافع خود دفاع کند که دست قدرتمندتری برای اعمال اراده خویش داشته باشد و حالا تجربه جنگ نشان داده که ایران این توانایی را داراست. تنگه هرمز نه یک کارت موقت بازی، بلکه محور و سکوی اصلی برقراری نظام امنیتی و معادله بازدارندگی جمهوری اسلامی خواهد بود. بر همین مبنا هم نه فقط ائتلاف امریکایی -اسرائیلی، بلکه همه دنیا باید با وضعیت پیش از جنگ تنگه هرمز خداحافظی کنند. هرمز به وضعیت سابق بر نخواهد گشت. این عارضه خدادادی سوق‌الجیشی، بخشی از طرح و توان نظامی و دفاعی ایران خواهد شد تا دشمن دیگر اجازه تعدی به آب، خاک و آسمان ایران را به خود ندهد.
ایران از تنگه هرمز دست نخواهد کشید. این را امریکایی‌ها باید هر روز با خود تکرار کنند. امریکایی‌ها باید با نظم پیشین امنیتی منطقه خداحافظی و وداع کنند. دنیای جدید، دنیای اراده‌ها، نظم‌ها و واقعیت‌های جدید و نوین است و ایران تمام این‌ها را روی مفهوم هرمز بنا خواهد کرد.